

## سازمان نوینی برای دادگستری

این طرح در اسفند ۱۳۴۱ به مقام وزارت دادگستری و مدیریت کل قضائی تقدیم گردید تا در کمیسیون‌های دوازده گانه قوانین مورد استفاده قرار گیرد.

اخیراً شایع شده که در نظر است به دادگستری سروسامانی داده شود. این خبر شادی بخش آن قدر مورد استقبال مردم قرار گرفت که بحث درباره آن در سرهرکوی و برزن‌ورد زبانها شده و در محافل و مجالس خصوصی موضوع بحث روز گردید.

تشکیلات فعلی دادگستری دارای نواقصی است که موجب شده تا تأمین اجتماعی که نتیجه گردش صحیح دستگاه قضائی است صورت نگیرد بحث درباره عللی که این وضع را بوجود آورده‌اند بحثی است تحلیلی و جالب که باید موضوع گفتار جداگانه‌ای قرار گیرد و مادر اینجا فقط بذکر این نکته ضروری اکتفا میکنیم که شالوده دستگاه فعلی عدلیه با وضع اجتماعی و جغرافیائی و اوضاع و احوال روز سازگار نیست عدلیه ایست که از سازمان و تشکیلات ممالکی اقتباس شده که از هیچ جهت با کشور ما قابل مقایسه نبوده‌اند مضافاً به اینکه تشکیل دهندگان آن توجهی بانطباق قوانین خارجی با اوضاع و احوال کشورمان نداشته و شاید با توجه بموقعیت آن روز برای انجام چنین امر ضروری فرصتی هم نبوده است و بعداً هم که خواسته‌اند تغییراتی در این بنای ظریف و حساس اجتماع ما بدهند متأسفانه باز به تحولات اجتماعی و پیشرفت سریع افکار مردم توجهی نگردیده است.

باید قبول نمود که سازمان دادن دستگاه عدالت که یکی از ارکان سه گانه حکومت دموکراسی بشمار میرود کاری سرسری نیست و برای نظام آن دقت و فراست زیاد لازم است. ما نه تنها نیاز مبرمی به تغییر تشکیلات دادگستری داریم بلکه آئین دادرسی اعم از حقوقی و جزائی ما نیز محتاج به تغییر است مضافاً به اینکه اغلب قوانین ما چه قوانین مدنی و چه قوانین جزائی و قوانین ثبتی باید ناگزیر دستکاری شوند. اغلب مباحث این قوانین گذشته از آنکه با اوضاع و احوال مملکت ما هماهنگی ندارد قادر به حل و فصل خصومت بین افراد هم نمیشد و با این ترتیب دردی را دوا نکرده و در اغلب اوقات با ابقاء ماده و ریشه نزاع موجبات کشمکش‌های جدیدی میکردند.

برای آنکه این قوانین متناسب با محیط باشد لازم است قبلاً با دقت درباره آنها مطالعه بعمل آید و از متخصصین مربوطه خواسته شود که هر کدام درباره مبحثی که در آن تبحر دارند کاوش نموده و طرحهائی تنظیم و ارائه دهند. برای رسیدن باین نتیجه میتوان از مطلعین داخلی و همچنین متخصصین خارجی با پیشنهاد بورس برای مطالعه در هر قسمتی استفاده نمود. در این مورد لازم است تذکر داده شود که مطالعه تطبیقی این فایده را خواهد داشت که متخصص فن با مطالعه و دقت در سیستم‌های ممالک دیگر صاحب نظر شده و میتواند مقررات نوینی را که با اوضاع و احوال این کشور مناسب است پیشنهاد نماید.

سازمان نوینی که ذیلاً از نظر خوانندگان میگذرد یکی از سازمانهائی است که ممکن

است بتواند مورد استفاده کسانی واقع گردد که بخواهند تشکیلات جدیدی برای عدلیه ایران پی‌ریزی کنند. تعجبی ندارد اگر این طرحها و پیشنهادات نتوانند در کلیه زمینه‌ها مرتبت قبول یابند زیرا هیچ ساختمانی را نمیتوان یافت که از هر جهت بدون ایراد و اشکال باشد. این طرح نیز از این قاعده مستثنی نیست بخصوص که وارد جزئیات نشده و فقط دورنمایی است از یک بنای کلی که از جهات عدیده نیاز بررسی بیشتر و حکم و اصلاح زیاد دارد و همچنین میتوان با توجه بایرادات تغییراتی در آن داد و انجام این کار مستلزم ورود در جزئیات طرحها است که پس از مطالعه و مشورت‌های زیاد بصورت مواد قانونی تنظیم گردند و لذا نگارنده در موقع لزوم حاضر برای توضیحات و استماع ایرادات خواهد بود. در طرح ریزی این سازمان نوین ۳ عامل اساسی تشکیل دهنده دادگستری مورد نظر قرار گرفته است.

۱ - ترتیب تشکیل دادگاههای مادون و مانوق با توجه بوضع جغرافیائی و اجتماعی و روش رسیدگی.

۲ - شاغلین بشغل قضائی ( وکلا و قضات ) و بررسی طریقه تعلیم و تربیت و انتصاب و طرز کار آنها.

۳ - قوانین مورد لزوم.

در اینجا تغییر و اصلاح قوانین مدنی و جزائی و تجاری و امثال آنها را مورد بررسی قرار نمیدهیم زیرا برای اجرای صحیح آنها قبلاً احتیاج به تشکیلات مناسب و کسانی داریم که بکار عدالت پردازند و لذا قبلاً موضوع سازمان دادگستری و آئین دادرسی و شاغلین بشغل قضائی را طرح میکنیم. دادگاهها از نظر اهمیت دعوی و میزان خواسته بدو دسته تقسیم میشوند.

دسته اول دادگاههایی که بامور نسبتاً کم اهمیت تری رسیدگی میکنند و در سیستم فعلی ما دادگاههای بخش را تشکیل میدهند و دسته دوم دادگاههایی که برسیدگی بامور نسبتاً مهمتری اشتغال دارند و دادگاههای بدایت یا شهرستان نامیده میشوند و سپس دادگاههای استیناف و بالاخره شعب دیوان کشور سیستم هرمی شکل تشکیلات دادگاههای کشور ما را تکمیل میسازند.

دادگاههای بخش از جهت آنکه بدعاوی کوچک رسیدگی میکنند مرجع تظلمات تعداد بیشتری از مردم و با توجه بآنکه مردم کشور ما هم از نظر مالی و هم از نظر فکری فقیرند تعداد دعاوی مطروحه در دادگاههای بخش زیاد است و بالنتیجه لازم است توجه بیشتری باین دادگاهها بشود و اما وضع جغرافیائی کشور ما با توجه به فواصل دور و دراز دهات از یکدیگر و فقدان ارتباط و طرق و شوارع موجب گردیده که دستگاه تظلمات عمومی باسانی در دسترس مردم قرار نگیرد و بعلت دوری فاصله و کندی کار و تشریفات و موانع زیاد مراجعین بدادگستری پس از صرف وقت طولانی و ساقط شدن از هستی با ناامیدی از دستگاه عدالت رو میگردانند و باین ترتیب نه فقط احقاق حق نشده بلکه منازعات بیشتری که نتیجه و حاصل همین ناامیدی است در سراسر کشور ایجاد میگردد.

برای رفع این نقص ناچاریم دو دسته دادگاههای بخش در نظر بگیریم. یکدسته از آنها در بخشها و شهرها بطور ثابت تشکیل گردند و مردم برای احقاق

حق و تظلم بآنها مراجعه میکنند و دسته دیگر برعکس دسته اول بطور سیار تشکیل شوند و در خط معینی در دهات و قراء رفت و آمد داشته و بسراغ مردم بروند و عدالت را بآنها عرضه نمایند با تشکیل دادگاههای سیار در تمام دهات دور افتاده و پراکنده ساکنین دهات ایران بدون تحمل هزینه سفر و رفت و آمد و صرف وقت میتوانند از عدالت برخوردار شوند. ناگفته نماند که قانون محاکمات سیار مربوط و منحصر بنواحی مرزنشین است که باید گسترش یابد. اینک بطرح سازمان دو نوع دادگاههای بخش میپردازیم.

### « دادگاههای بخش ثابت »

دادگاههای بخش فعلی چه آنها که در شهرها هستند و چه آنها که در مناطق و بخش های دور افتاده تشکیل شده اند اغلب توسط قضات جوان که تازه وارد کار قضائی شده اند اداره میشود و این قضات اگرچه تقریباً همگی آنها با احساساتی پاک و نیتی خیر دست بکار قضاوت شده اند و اغلب آنها پس از مدت کوتاه در کار خود خبرویت حاصل میکنند ولی با این همه باید قبول کنیم که سن کم و روحیه جوان آنها با نقش کدخدانمنشی که لازمه دادگاه بخش است جور در نیاید.

برای ترتیب این وضع میتوان از وجود قضات بازنشسته و یا وکلای مجرب که مایل بادامه شغل و کالت نیستند استفاده نمود و اغلب این اشخاص حاضر خواهند بود سالهای استراحت خود را بانجام چنین خدمت بزرگی با حقوق کمتری اختصاص دهند و با این ترتیب کشور از نیروی فکری معتنا بهی که سالها پرورده است مجدداً و بنحو دیگری بهره مند خواهد شد بنابراین ملاحظه میشود که با اجرای این طرح نه فقط از نیروهای انسانی استفاده نیکوئی شده و نتیجه مفیدی در اداره دادگاههای بخش و حل و فصل دعاوی از طریق کدخدانمنشی بدست آمده بلکه از هزینه سنگین دادگستری نیز کاسته شده است.

### « دادگاههای بخش سیار »

کشور ما وضع جغرافیائی خاصی دارد. فواصل شهرها زیاد و دهکده ها و گروه های مردم بواسطه وجود موانع طبیعی پراکنده و از محل و مراکز دادگاهها دورند و بعلت این پراکندگی و دوری دسترسی بدادگاههای بخش ندارند و چون تشریفات دادرسی طولانی و از طرفی پرداخت هزینه های دادرسی و رفت و آمد از عهده این دسته از مردم خارج است تحمل ظلم را به تعقیب مجرم ترجیح داده و حاضرند از حق خود صرف نظر نمایند و گرفتار تشریفات طولانی و پرداخت هزینه های غیر قابل تحمل نشوند.

با این وضع مجرمین و متجاوزین جری تر شده و یأس از دستگاه عدالت مردم مظلوم و بیگناه را که اغلب بسبب از دست رفتن حقوقشان از هستی ساقط شده اند بارتکاب جرم و امیدارد و یا حد اقل موجبات نیستی خانواده ها را فراهم میسازد و در هر صورت مضرات بیشماری از قبیل بیکاری و فقر و ازدیاد جرائم دامنگیر اجتماع ما میگردد.

قبلاً گفته شد که با دعوت قضات بازنشسته و وکلا تعداد زیادی قضات جوان و فعال که فعلاً با اداره دادگاههای بخش مشغول اند در اختیار وزارت دادگستری خواهند بود که با توجه باحتیاجی که فعلاً بوجود قضات دارند میتوان تا اندازه ای از کسری کادر قضائی کاست و از وجود آنها برای اداره دادگاههای سیار استفاده کرد. اگر بخواهیم عدالت

خوب اجرا شود و همه کس حتی آنها که در نقاط دور دست زندگی میکنند از عدالت برخوردار و بان دسترسی داشته باشند بایستی سرویس های متعدد و منظمی از دادگاههای سیار بخش تشکیل گردد که در آن قضات جوان و فعال و پربنیه تحت نظر رئیس ویاسرپرست مربوطه بمراجعات مردم رسیدگی کنند. سرویس ها بایستی بتمام وسائل مورد نیاز که با وضع محل مناسب باشد مجهز گردند و در خط سیر و حوزه خود در حرکت باشند و ترتیبی داده شود که تشریفات مربوطه بابلاغات حتی الامکان حذف گردد تا آنجا که علم قاضی در باب اطلاع اصحاب دعوی نسبت به جلسه دادرسی کافی شناخته شود.

### « طریقه رسیدگی دعاوی »

در وضع کنونی از زمانیکه دعوائی در دادگستری طرح میشود تا وقتی که اختتام پذیرد و منتهی با اجرای حکم محکمه گردد پرونده امر مراحل طی میکند که تصور آن انسان را بیاد هفتخوان رستم میاندازد. پس از طرح دعوی طرف وسائل قانونی زیادی برای اطاله کار و ایداء طرف دیگر در اختیار دارد و تشریفات زائد که از مقتضیات آئین دادرسی فعلی است از قبیل ایرادات اصحاب دعوی که بعضاً مانع رسیدگی بماهیت دعوی است و همچنین دعوی انکار و تردید و جعل و امثال آنها باعث طول جریان دادرسی است بدون آنکه تأثیری در میزان دقت و تأمل در تضایف داشته باشد و لذا ضرورت حذف این تشریفات زائد و پیروی از طریقه ساده ای برای دادرسی آشکار میگردد.

اصولاً در تمام مراحل سه گانه و بخصوص در طرز رسیدگی دادگاههای بخش که دعاوی مردم در آنها مطرح است تشریفات بایستی بحد اقل ضرورت تقلیل یابد و بکارها سرعت داده شود. هیچ معلوم نیست که چرا نتوان راههای تجدید جاسه را بروی طرفین بست؟ چه اشکالی دارد اگر ایرادات مثلاً در همان جلسه اول اظهار و تصمیم قانونی بلافاصله پس از استماع آن ودلائل آن اتخاذ و بطرفین اعلام و بلافاصله رسیدگی شروع و در همان جلسه اول کارشناس تعیین و نظریه طرفین نسبت به تعیین کارشناس استماع و حتی در همان جلسه کارشناسی انجام و یا اجرای کارشناسی و یا تحقیقات محل و امثال آن در یکی دوز پس از جلسه اول انجام گردد. شک نیست در یک چنین سازمانی باید از کارکنانی درست و با ایمان استفاده کرد و با کمال بی رحمی خاطی را مجازات و از ادامه شغل او جلوگیری کرد. با این ترتیب میتوان ظرف مدت کوتاهی تکلیف پرونده دعوی را تعیین و بکار مراجعین سروسامان داد.

در مورد ابلاغ اوراق دادگستری سهل ترین راه ابلاغ بوسیله پست سفارشی است که در صورت استتکاف و یا عدم ابلاغ رسیدگی ادامه خواهد یافت و با عدم ابلاغ حکم غیابی صادر و تا زمان اجراء حکم محکوم علیه غائب حق اعتراض خواهد داشت.

در مورد دادگاههای بخش باید سعی شود که دعاوی از طریق کدخداهای منشی حل و فصل گردد تا رضایت مردم حاصل شده و کمتر بهانه برای توسل آنها بمراحل بالاتر بدست آنها بیفتد.

تجدید نظر در صلاحیت رسیدگی و میزان و نوع دعاوی دادگاههای بخش لازم بنظر میرسد. بعضی از دعاوی مهم از قبیل اعتراض به درخواست حصر وراثت دعاوی قنوات

و افزای تا آنجا که زائد از حدنصاب دادگاههای بخش است باید تحت صلاحیت دادگاههای شهرستان قرار داده شود. دعاوی دادگاه بخش تا میزان معینی مثلاً ۲۰۰ تومان غیرقابل استیناف و دعاوی تا میزان ۵۰۰ تومان غیرقابل تمیز اعلام گردد. صلاحیت جزائی دادگاههای بخش لازم است توسعه یافته و قسمتی از جرائم کم اهمیت در آنها رسیدگی شوند و حق صدور حکم مجازات تا میزان معینی بآنها داده شود و برای این منظور لازم است جرائم را بجرائم قابل صدور کیفرخواست و جرائم غیرقابل صدور کیفرخواست تقسیم نمود و جرائم دسته دوم را در صلاحیت دادگاههای بخش قرارداد و بخصوص حق رسیدگی بجرائم مرتکبه توسط صغار را در صورت غیرقابل صدور کیفرخواست بودن باین دادگاهها تفویض نمود و با توجه بمبحث دخالت مردم در امر قضاوت که بعد بیان خواهد شد هنگام رسیدگی بجرائم صغار و یا دعاوی حقوقی مربوط بصغار دادگاه از یک قاضی و دو نفر از اهالی محل که یکی از آنها بانوی واجد شرایط باشد تشکیل گردد. نکته ای که تذکر آن را در این مبحث ضروری میدانم موضوع عدم اجازه انتشار جرائم صغار و یا انتشار نام آنها توسط مطبوعات است زیرا انتشار جرائم ایام کودکی ممکن است عواقب وخیمی برای شخصیت فرد بار آورد که جبران ناپذیر باشد و همچنین اصولاً در محاکم جزائی به مطبوعات اجازه انتشار و اظهار نظر درباره متهم و استحقاق مجازات و یا عدم این استحقاق قبل از صدور حکم مجازات داده نشود و این از آن جهت است که قاضی بدون توجه به تبلیغات بتواند مستقلاً اظهار نظر نماید.

### اجازه استیناف

#### وسیله برای جلوگیری از طرح دعاوی بیجهت استینافی

معمولاً در یک سازمان قضائی سالم استیناف از احکام وسیله ایست برای احقاق حق و جلوگیری از اشتباهات قضائی. متأسفانه در کشور ما توسل بدادگاههای استیناف غالباً بمنظور ایذاء طرف و یادست آویزی برای اطاله دادرسی است در مرحله استیناف همان بندها و پیچ و خمها وجود دارد و بطوریکه قبلاً هم گذشت ممکن است دعوائی را سالها در خم کوچک اول نگه داشت و تأسف در این است که در اکثر دعاوی استینافی و تمیزی حکم بدوی تأیید میشود و پس از تلف کردن سالها وقت و اشغال دستگاه دادگستری معلوم میشود که حکم مرحله بدوی صحیحاً صادر شده و حتی از متقاضی استیناف و یا خواهان تمیز پایمال نگردیده است و لذا ضرورت یک کنترل شدید و مراقبت در امر پژوهش خواهی احساس میگردد و باید روشی انتخاب گردد که طرف ناراضی از حکم نتواند بیجهت از حق استیناف استفاده کرده و یا بدان وسیله موجب اطاله کارقضائی گردد و هم وقت دادگاه و هم جای دیگران را بی جهت اشغال نکند. باید غریبالی تعبیه کرد تا فقط آندسته از دعاوی که شایسته رسیدگی مجددند بتوانند از سوراخهای آن عبور کنند و وارد مرحله استینافی شوند و بقیه آنها که استحقاق محکمه استیناف را ندارند کنار گذارده شوند.

طرحی که ممکن است این خدمت بزرگ را به سازمان دادگستری بکند عبارت از تشخیص قابل استیناف بودن حکم و یا بهتر بگویم اجازه قابل پژوهش بودن حکم است.

خود حکم تفکیک کرد باین توضیح که دادرس با توجه بدلائل و اوضاع و احوال قضیه میتواند تشخیص دهد که حکم صادره توسط او دیگر احتیاجی برسیدگی مجدد یعنی استینافی ندارد و در این صورت پس از صدور حکم در مورد نزاع نظر خود را نیز دایر به غیر قابل استیناف بودن حکم قید میکند که « این رأی قابل رسیدگی پژوهشی نیست ».

و اما اگر دادرس مربوطه تشخیص داد که دلایل و قرائن و اوضاع و احوال قضیه طور است که برای احقاق حق و اطمینان اینکه حتی تضييع نشده بهتر است که محاکم بالاتر هم در این مورد نظر دهند ذیل حکم اجازه میدهد که چنین حکمی قابلیت رسیدگی پژوهشی را دارد.

اکنون این ایراد پیش میآید که محرومیت از طرح دعاوی استینافی ممکن است بحقوق اشخاص لطمه وارد ساخته و در هر صورت خلاف روح عدالت است که طرفین را از رسیدگی مجدد محروم سازیم بخصوص که معلوم نیست نظر قاضی همیشه درست باشد برای رفع این ایراد است که نظر قاضی بدوی دایر بغیر قابل استیناف بودن رأی باید قابل شکایت در دادگاه استیناف باشد و متضرر از این تشخیص حق داشته باشد که فقط از این نظر قاضی که در ذیل حکم اظهار نظر نموده به مقام استیناف شکایت کند. شاکی در شکوائیه خود دلایل قابل پژوهش بودن حکم را در مرحله استیناف اقامه مینماید و دادگاه پژوهشی در یک جلسه فوری خارج از نوبت باین شکایت و دلایل آن رسیدگی میکنند ( بدون آنکه وارد رسیدگی باصل دعوی گردد) و چه بسا ممکن است برای تحقیق صحت اظهارات شاکی احتیاج بملاحظه و معاینه دلایل پیدا کند. در اینصورت ظرف یکی دو هفته در باره صحت دلایل شاکی تحقیق مینماید و سپس نظر خود را در مورد قابل استیناف بودن یا نبودن دعوی اعلام میدارد.

هرگاه نظر دادگاه استیناف بر قبول شکایت یعنی قابلیت رسیدگی استینافی باشد بلافاصله وارد رسیدگی به اصل دعوی میشود و اگر شکایت شاکی را وارد ندانست و بعبارت دیگر با تأیید نظر دادگاه بدوی رأی را قابل رسیدگی پژوهشی تشخیص نداد شاکی حق دارد از این نظر بدیوان عالی تمیز شکایت کند تا این دیوان تکلیف نهائی قابلیت استینافی دعوی را تعیین نماید بدین ترتیب از طرح دعاوی استینافی بیجهت که وقت دادگاه را میگیرد و بهانه برای ایذاء و اطاله دادرسی است جلوگیری بعمل میآید و برای آنکه نتیجه کاملاً مفید و مثبتی از این طرح بدست آید و برای آنکه فقط بان دسته از اشخاص اجازه داده شود که مصراً از دستورهای غیر قابل استیناف بودن دادگاهها بمراجع بالاتر شکایت کنند که یا واقعاً یقین دارند حق بانهاست و یا توانائی معطل کردن دستگاه را دارند لازم است هزینه سنگینی به شاکی سمجی که شکایت او مردود گردیده تحمیل کرد و بهر تقدیر از او وصول نمود و در صورت معسر بودن او را بزندان فرستاد.

و بهتر است تعیین میزان این هزینه با توجه بموضوع شکایت و مدت رسیدگی به ارزش دلایل شاکی بنظر قاضی واگذار نمود.

با این ترتیب شاکی هنگام طرح شکایت از نظر دادگاه بدوی طرفین موضوع و نتیجه را سبک و سنگین کرده احتیاط لازم را مینمایند که بیجهت دست به شکایت نزنند و اگر خود را ذیحق نمیدانند بحکم بدوی تسلیم شوند.

یقین دارم با اجرای یک چنین طرحی تعداد کثیری از دعاوی بیجهت دیگر در دادگستری طرح نخواهد شد و دادگاه و قاضی اعتباری را که شایسته آنند کسب خواهند کرد و اعتماد مردم بدستگاه عدالت زیاد شده و اهمیت عدالت و مقام شامخ آن مورد توجه عموم قرار خواهد گرفت و خیال تجاوز و تعدی و تضییع حقوق از خاطرها دور خواهد شد.

### « دخالت مستقیم مردم در امر قضاوت »

همانطوریکه آشنائی بفن رانندگی برای عموم مردم موجب نقصان تصادفات و کم شدن قتل نفس و جراحات توسط وسایل نقلیه موتوری خواهد شد. اطلاع آنها بقوانین و طرز رسیدگی و نحوه قضاوت نیز از ارتکاب جرائم و از اشتباهات روزمره ای که نتیجتاً وقت دستگاه قضائی را اشغال میکند بمیزان قابل ملاحظه ای خواهد کاست. رئیس یا کارمند فلان اداره که یک روز در جلسه محاکمه شرکت دارد و دوشادوش قاضی احساس مسئولیت میکند و با قاضی در تجزیه و تحلیل مسائل قضائی مربوطه به زندگی روزمره همونوع خود تشریک مساعی دارد ملاحظه میکند که فلان اقدام پدر فامیل موجب ورشکستگی خود او و یا از بین رفتن هستی او و خانواده اش شده و بفلان خبط و خطای همکارش نتایج سوئی دنبال داشته است و یا اهمال مادری در حفاظت طفلش او را مسئول ساخته و سهل انگاری فلان تاجر موجب مسئولیت حقوقی و جزائی او شده است و همچنین ده ها موضوع و مسائل مختلف که مورد بررسی او قرار گرفته ذهن او را در اداره امور خود او نیز روشن میکند. این شرکت و ملاحظه اوضاع و احوال یک پرونده قضائی دهان بدهان در خارج تکرار شده و اطرافیان هم از نقل ماجرای دادگاه بهره مند میشوند. واقعه دادگاه و اشتباهات و تعدیات متهم بین افراد محکمه گفته شده و برای مردم درس عبرتی است و بااطلاع از نوع تجاوزات و دعاوی و راههای آنها و نتایجی که دادگاه بر طرفین بار میکند مردم در اقدامات و عملیات روزانه خود احتیاط کرده و باصطلاح چشم و گوش خود را باز میکنند و بدین طریق از تعدیات و اشتباهات و جرائم زیاد و حتی از طرح دعاوی کاسته خواهد شد. اجتماع دارای افرادی خواهد گردید که احساس مسئولیت بیشتری میکنند و در مقابل آزادی و حقوق دیگران خود راعنان گسیخته و بی اعتنا تصور نخواهند کرد. به شخصیت خود اهمیت داده عزت و شرف و بلند طبعی و غرور انسانی در بین مردم مقام ارجمندی را خواهد یافت آرزوی من آن است که روزی مردم در مملکت ما بتوانند از این نعمت اجتماعی پرارزش برخوردار شوند و بخاطر نتایج عالی اجتماعی و فردیست که جداً عقیده دارم در دادگاه های بخش مسئله دخالت مردم در امر قضاوت و شرکت آنها در محاکمات کوچک که ارتباط با امور زندگی روزمره آنها دارد مطرح و مورد قبول قرار گیرد.

شرکت آنها بدین ترتیب خواهد بود که در دادگاه های بخش اعم از سیار و ثابت دو نفر از مردم آن بخش که بطور قرعه برای یک روز محاکمه تعیین میشوند در محاکمات آن روز شرکت و دخالت خواهند داشت. هر سال اشخاصیکه به شرکت در دادگاهها تمایل دارند تقاضائی بدادگستری مربوطه تقدیم داشته که در کمیسیونی از قضات دادگاههای بالاتر و رئیس دادگاه بخش محل مورد بررسی و تصویب قرار میگیرد و کسانی که واجد شرایط تشخیص دهند انتخاب و در صورت اسامی مخصوص (دادگاههای مردم) قرار میدهند.

نظر جناب آقای سید هاشم وکیل رئیس کانون وکلاء ایران بر اینست که صدی یک از خواسته مورد دعوی بعنوان حق الزحمه به قضات این دادگاه ها داده شود تا آنها را در شرکت بامر قضاوت علاقمند سازد.

رای دادگاه باتفاق و یا باکثرت دو نفر از سه نفر صادر خواهد شد و هر گاه قاضی در اقلیت قرار گرفت و دو نفر دیگر متفقاً نظر دادند قاضی محکمه میتواند از حق خود دائر به قابل استیناف دانستن رای استفاده کرده و آن را ذیل حکم مرقوم دارد و یا ممکن است الزاماً چنین رایی را قابل استیناف دانست.

### « دادگاههای شهرستان »

#### ۱ - دادگاههای فصلی

همانطوریکه در بخش ها دادگاههای سیار موجود است در دادگاههای شهرستان نیز لازم است قضاتی باشند که برای عرضه کردن عدالت به اهالی نقاط دور افتاده از مقر شهرستان بسراغ آنها بروند. النهایه نه بطور سیار و دائم بلکه بطور فصلی باین ترتیب که هر سه ماه و یا هر شش ماه یکبار قضات دادگاه شهرستان در نقاطی که نسبت به چند بخش مرکزیت دارند تشکیل گردد تا بدعاوی مورد صلاحیت خود و همچنین بدعاوی استینافی دادگاههای بخش سیار رسیدگی نمایند.

#### ۲ - دادگاههای قتلهای مشکوک و گنجینه ها

در مقر شهرستان دادگاهی در عرض دادگاههای شهرستان تشکیل می یابد که فقط به قتلهای مشکوک و کشف آثار باستانی و گنجینه ها و امثال آن رسیدگی میکنند و بمحض وقوع قتل مشکوکی (قتلهای واقعه در اثر تصادفات - انتحار - مسمومیت - مرگ در زندان و امثال آنها) و یا بمحض پیدا شدن آثار باستانی و سکه ها و کتیبه ها و بناهای قدیمی و امثال آنها این دادگاه شروع به رسیدگی و تحقیقات نموده و شهربانی و ژاندارمری و بازپرسی در صورت موافقت دادگاه تحت نظر دادگاه انجام وظیفه میکنند و الا تمام اقدامات را رأساً خود دادگاه انجام خواهد داد و در صورت عدم تشکیل دادگاههای فصلی دادگاههای بخش سیار صلاحیت رسیدگی به امور مربوط به این دادگاهها را تا تشکیل دادگاههای فصلی خواهند داشت.

#### ۳ - صلاحیت

هنگام بحث در صلاحیت دادگاههای بخش گفته شد که بعضی دعاوی حقوقی در صلاحیت دادگاههای شهرستان قرار گیرد. و در مورد دعاوی جزائی صلاحیت دادگاههای بخش بیشتر گردد و حق صدور حکم مجازات را تا میزان معینی داشته باشند و برای حصول این منظور جرائم بدو دسته تقسیم گردیدند. دسته اول جرائم قابل صدور کیفرخواست و دسته دوم جرائم غیر قابل صدور کیفرخواست - جرائمی که حد اکثر مجازات آنها بمیزان معینی (مثلاً ۳ یا ۴ یا ۵ ماه) است جزء جرائم غیر قابل صدور کیفرخواست قرار گیرند و دادگاههای بخش حق داشته باشند بدون دخالت بازپرس و دادستان مستقیماً باین جرائم رسیدگی کرده و حکم صادر کنند و لذا تجدید نظری در میزان مجازات قوانین جزائی و حکم و اصلاح آنها ضروری است. در قوانین جزائی ما حد اقل و اکثر مجازات ها متناسب با نوع



جرائم نیست و اکثراً شدت مجازات موجب آن گردیده است که قضات نتوانند مجازات واقعی را اعمال کنند.

در نحوه رسیدگی جزائی شایسته است که روش تفتیشی فعلی متروک و بجای آن طریقه انتهایی انتخاب گردد که در آن قاضی شخص بیطرفی است و اصل بر این باشد که همه کس پاک و مبری از گناه و اتهام است مگر خلاف آن را پلیس و یا دادستان و یا شاکی خصوصی اثبات نماید و بر عهده آنها باشد که دلایل اثبات جرم را اقامه و ارتکاب آنرا از ناحیه متهم ثابت نمایند و حق تفتیش و اقامه و تعیین نوع و طریقه اثبات دلایل از قاضی جزائی سلب گردد و در عوض در مورد رسیدگی بامور حقوقی این حق و آزادی عمل برای کشف حقیقت به قاضی داده شود به عبارت دیگر در رسیدگی بدعاوی حقوقی طریقه تفتیشی جانشین روش انتهایی یا ادعائی گردد و قاضی حقوق بتواند برای کشف حقیقت امر بهرگونه اقدام لازمی (حتی الزام متداعین بایراز دلایلی علیه خودشان) مبادرت نماید. شک نیست استقلال کامل قضات شرط لازم برای اخذ نتیجه مفید در این زمینه خواهد بود و داشتن قضات تعلیم یافته و متبحر و مجرب و پاک شرط کافی برای حصول منظور فوق است.

گماردن قضات متخصص در امور جزائی برای رسیدگی بامور حقوقی و یا بالعکس از اقداماتی است که باید از آن پرهیز کرد.

#### ۴ - تشریفات

همانطوریکه در مورد دادگاههای بخش مذکور گردید در مورد شهرستان و استان نیز باید تشریفات زائد حذف و ابلاغ اوراق دادگستری توسط پست سفارشی انجام گردد و در صورت عدم ابلاغ رسیدگی پرونده و صدور حکم با یک آگهی مختصر بدون ذکر متن دادخواست امکان پذیر باشد و به محکوم علیه غایب اجازه اعتراض بحکم تا زمان اجراء داده شود.

در مورد مقررات آئین دادرسی که وضع یا تغییر آنها بستگی به اوضاع و احوال زندگی اجتماعی مردم دارد چون شئون اجتماعی دائماً در تغییراند لذا باید چاره اندیشید که بتوان این مقررات را با وضع روز تعیین و تطبیق نمود و بنا بر این راه رسیدن باین منظور این است که هیئتی از قضات دادگاههای شهرستان و استان و وکلاء دادگستری تعیین گردد که هر پنج سال یکبار به پیشنهادات و گزارشات مربوط به اشکالات آئین دادرسی رسیدگی کرده مقرراتی وضع کنند که با تصویب مجلسین مشکلات آئین دادرسی روز را حل نماید.

معافیت از حد اقل هزینه دادرسی و همچنین تعیین میزان زائد بر حد اقل هزینه دادگاههای بخش با توجه بوضع مالی متداعیین بعهدہ قضات دادگاه بخش و گذار گردد (نظر آقای مرتضوی رئیس کل دادگاههای بخش تهران) و در مورد دادگاههای شهرستان و استان و دیوان عالی کشور حد اقل مناسبی با توجه به وضع مادی اکثریت مردم تعیین گردد که طرح و یا ورود بدعوی منوط به پرداخت آن هزینه باشد ولی میزان واقعی هزینه هنگام صدور حکم توسط دادگاه معین گردد که دادگاه این میزان را با توجه به میزان خواسته و کمیت و کیفیت کار دادگاه و دفاتر و تعداد جلسات و بخصوص با توجه بوضع مالی محکوم

علیه تعیین خواهند نمود و برای آنکه در مرحله استینافی از سوء استفاده محکوم علیه جلوگیری شود لازم است که پژوهش خواه در موقع طرح هر دعوی استینافی مبلغی را که دادگاه استیناف بعنوان هزینه تقریبی محاکمه و حق الوکاله و خسارات احتمالی دیگر در نظر میگیرد در صندوق دادگستری تودیع نماید.

### « شاغلین بشغل قضائی »

گذشته از استعداد ذاتی و شش مخصوص که خداداد است برای اشتغال بشغل قضائی اعم از قضاوت و وکالت تحصیل منظم علوم قضائی در مدارس حقوق از لوازم و ضروریات است مع هذا باید اذعان داشت که داشتن دانشنامه به تنهایی نمیتواند ما را برای اشغال بشغل قضا آماده کند و برای آنکه آماده خدمت در این دوشغل شویم ناگزیریم ضمن مطالعه علمی روشهای عملی را از استادان مطلع و مکتب دیده فن فراگیریم لذا لازمه است کلاسهای مخصوص عملی در کانون و کلاء و دادگستری برای پرورش فکر عملی تاسیس گردد تا خواستاران شغل قضاوت و وکالت مدت ۲ سال پس از ختم دوره دانشکده حقوق در این مدارس جنبه های عملی علم حقوق را فراگیرند و در عین حال دوران کارآموزی خود را در محاکم بگذرانند و برای ایجاد چنین مدرسه حقوق عملی کانون و کلاء دادگستری باید از وجود قضات و وکلاء و استادان دانشگاه که دارای مقام علمی و عملی هستند استفاده گردد.

### قضات

در مورد قضات پس از گذراندن دانشنامه دانشکده حقوق و امتحان ورودی دادگستری ضمن گذراندن دوران کارآموزی دو سال مدرسه حقوق عملی را طی کرده و پس از گذراندن امتحان نهائی مدرسه حقوق عملی وارد شغل قضائی میگردند و بتدریج ارتقاء می یابند النهایه در مورد ارتقاء حد نهائی آن دادگاههای شهرستان باشد در مورد دادگاههای استان سیستم ارتقاء متروک گردد باین توضیح که هنگام احتیاج بیک یا چند قاضی استیناف هیئتی از روسای دادگاههای استان و روسای شعب دیوان کشور و رئیس دادگاه انتظامی قضات و رئیس کانون و کلاء دادگستری و احياناً رئیس کارگزینی تشکیل و از بین قضات دادگاههای شهرستان های کشور و یا وکلاء دادگستری کسانی را برای دادگاه استیناف انتخاب مینماید که سن آنها کمتر از ۴۰ سال نبوده و لااقل ده سال بعنوان رئیس شعبه دادگاه شهرستان و یا وکیل پایه ۱ انجام وظیفه نمود و در دوران قضاوت یا وکالت از خود همه گونه شایستگی را نشان داده باشد.

و برای انتخاب قاضی دیوان کشور هیئت عمومی دیوان عالی کشور با حضور رئیس کانون و کلاء از بین قضات دادگاههای استیناف کشور و یا وکلاء متبحر یک یا چند نفر را انتخاب مینمایند مشروط بر آنکه اگر انتخاب از بین قضات استان باشد سن قاضی بیشتر از ۵۰ سال و لااقل ده سال در دادگاه استیناف بشغل قضائی اشتغال داشته باشد و اگر از بین وکلاء انتخاب میشود سن او بیش از ۵۰ و دارای ۲ سال سابقه وکالت درجه اول قضات استیناف و دیوان عالی کشور در هر شعبه که باشند در همان شعبه تا پایان دوره خدمت یعنی تا سن بازنشستگی (۷۳ سال) باقی خواهند ماند. مگر آنکه هیئت عمومی بشرح فوق

قاضی دادگاه استیناف را برای اشتغال در شعبه دیوان عالی کشور انتخاب نماید - در این گونه انتخاب‌ها برای شعب حقوقی از قضات شایسته حقوقی و برای شعب جزائی از قضاتی که اطلاع و تجربه و سوابق رسیدگی امور جزائی را دارند انتخاب بعمل خواهد آمد.

رسیدگی بتخلفات قضات قابل ارتقاء (بخش و شهرستان) در صلاحیت دادگاه انتظامی قضات و بطریقی است که فعلا معمول است و رسیدگی به تخلفات قضات دادگاههای استان و دیوان عالی کشور با هیئت عمومی است که در صورت احراز تخلفی که با چنین مقام شامخی منافات داشته باشد هیئت عمومی انفصال آن قاضی را از مجلسین شورای و سنا تقاضا میکند:

در یک چنین سازمانی قضات باید دارای علم و دانش و تجربه و تبحر فوق العاده بوده و بخصوص امتحان شایستگی خود را برای مقام قضاوت مدتهای مدیدی داده باشد و از لحاظ اخلاقی نیز با اصطلاح جامه فضیلت و تقوی دریده و از استقلال کامل و شخصیت و غرور انسانی برخوردار باشند سعی شود از لحاظ زندگی و معیشت در رفاه کامل بسر برند و برای رسیدن باین منظور آخرین پیشنهاد آن است که هر قاضی دادگاه شهرستان بتواند پس از ده سال قضاوت مدت ۲ سال در یکی از کشورهای حقوق عادی (کامن لو) طریقه قضاوت دادرسان را از نزدیک مطالعه کند.

حداقل حقوق قضات باید بیش از دو برابر مخارج آنها بطور آبرومند باشد. و اگر من باب مثال بخواهیم مبلغی را برای قاضی دادگاه شهرستان تعیین کنیم باید حداقل آن را با توجه بوضع کنونی / . . . . ۴ ریال ماهیانه در نظر بگیریم حقوق قضات بایستی از خزینه مستقلی که وابسته به بودجه کشور نباشد یعنی صندوقی که برای مدت لااقل هر ده سال تامین شده باشد پرداخت گردد.

### « وکلای دادگستری »

در مورد تعلیم و پرورش و کلاء دادگستری باید مقرراتی وضع گردد که پس از ختم دانشکده حقوق ضمن کارآموزی نامزدهای وکالت ۳ سال مدرسه عملی حقوق کانون وکلاء را طی کنند و پس از گذراندن امتحان مواد آن حق اشتغال بکار وکالت بآنها داده شود. درجه سطح امتحانات را باید بالا گرفت مطمئن بود که قبول شدگان با استحقاق کامل وارد شغل وکالت میشوند برای مثال کافی است گفته شود که در یکی از کشورهای حقوق غیرمدون هر سال در حدود ۱۰۰ از تعداد نامزد های امتحان مدارس کانون وکلاء قبول و بقیه مردود شناخته میشوند و بانوجه به پایه معلومات و روش تعلیم و تربیت و وسائل دیگر از قبیل استاد و کتاب معلوم میگردد که انتظار آن اجتماعات از یک نامزد وکالت دادگستری چه میزان است و البته چنین نامزدی پس از گذراندن دوره دانشکده حقوق و سه سال دوران مدرسه حقوق عملی و کارآموزی باز موفق نمیشود باسانی وارد شغل وکالت گردد.

تخصص باید در امر وکالت مقرر گردد و لااقل پروانه وکالت بدو دسته جزائی و حقوقی تقسیم گردد و هر دسته فقط دعاوی مربوطه به تخصص خود را قبول نمایند و در صورت امکان وکلاء حقوق داخلی فقط دعاوی مربوط به حقوق داخلی را قبول کنند و امور مربوط به تعارض قوانین اختصاص بیک دسته دیگر از وکلاء داشته باشد که به حقوق کشور های

دیگر و بخصوص حقوق تعارض قوانین آشنا هستند در صورت وجود وکالت های مربوط بحقوق بین المللی فقط به کسانی اجازه وکالت در این امور داده میشود که دارای پروانه تخصصی در امور بین المللی از کانون وکلاء باشند.

### معاضدت

راجع بمعاضدت باید روشی انتخاب گردد که مردم بتوانند از هر وکیل که مایلند استفاده کنند نه اینکه فقیر بی نوائی که توانائی پرداخت حق الوکاله را ندارد مجبور باشد کار خود را بدست کارآموزان وکالت بدهد برای نیل باین هدف باید صندوقی تهیه شود که حق الوکاله وحق المشاوره وکلاء معاضدتی از آن پرداخت گردد و مردم ناتوان از لحاظ اقتصادی بتوانند با پرداخت وجه مختصری با هر وکیلی که بخواهند مشورت کنند وبقیه حق المشاوره را وکیل مربوطه از آن صندوق دریافت دارد.

موضوع معاضدت باید بصورت معاضدت نسبی برای کسانی که طبق رسیدگی به زندگی آنها توانائی پرداخت قسمتی از مخارج را دارند درآید و برای این کار روش های مفید و عملی در دست میباشد که در موقع لزوم ارائه خواهد شد.

روابط بین المللی کانون وکلاء باید بصورت مؤثر و مفیدی درآید و از صورت صرف تشریفات خارج گردد.

در خاتمه تذکر این نکته لازم است که برای طرحهای جزئی روشهای عملی موجود است که در صورت لزوم تقدیم خواهد شد.